



## ارزیابی ادب گوینده و منزلت اجتماعی نابرابر و برابر در محیط دانشگاهی با توجه به متغیر جنسیت<sup>۱</sup>

فاطمه رضایی<sup>۲</sup>، بهزاد رهبر<sup>۳</sup>، محمدرضا اروجی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۴

### چکیده

پژوهش حاضر به بررسی میزان ساختارهای کلامی ادب مورد استفاده دانشجویان، با توجه به جایگاه اجتماعی مخاطب بر مبنای نظریه لیکاف (Lakoff, 2004) می‌پردازد. داده‌های پژوهش، پس از فرستادن پرسش‌نامه برخط به دانشجویان و بررسی پاسخ‌های ۱۰۰ دانشجوی دختر و ۱۰۰ دانشجوی پسر ۱۸ تا ۳۰ ساله گردآوری شدند. سنجش میزان ادب، بر اساس تعداد و نوع ساختارهای مورد استفاده هر یک از دانشجویان در رویارویی با افرادی که در محیط دانشگاهی جایگاه‌های اجتماعی مختلفی داشتند، انجام گرفت. مخاطب‌های تعاملات، بر پایه جایگاه اجتماعی خود در دانشگاه به چهار گروه دسته‌بندی شدند. برای بررسی نقش جایگاه اجتماعی افراد در پاسخ به درخواست در محیط دانشگاهی از آزمون تحلیل واریانس بهره گرفته شد و برای بررسی میزان بهره‌گیری دختران و پسران از پاسخ‌های مؤدبانه از آزمون مقایسه‌ای دو گروه مستقل استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که میزان ادب مورد استفاده دختران و پسران دانشجو تحت تأثیر جایگاه اجتماعی مخاطب گفت‌وگو قرار داشته و با تنزل جایگاه اجتماعی مخاطب،

<sup>۱</sup> شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2021.33081.1927

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.20088833.1401.14.45.1.5

<sup>۲</sup> دانشجوی دکترا، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران؛  
fatemehrezaee@iauz.ac.ir

<sup>۳</sup> استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛  
behzadrahbar@atu.ac.ir

<sup>۴</sup> استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران؛  
mohammadrezaorji@iauz.ac.ir

استفاده از ادب نیز در برابر آن‌ها کاهش می‌یابد. مقایسه میزان بهره‌گیری دختران و پسران از ادب نشان داد که دختران و پسران از میزان ادب تقریباً یکسانی در برابر مخاطب‌ها بهره می‌گیرند. در تعاملات تک‌جنسیتی، تفاوت چندانی بین کاربرد میزان ادب در بین دختران و پسران وجود نداشت، ولی هر دو گروه در برخورد با پسران مؤدب‌تر بودند.

**واژه‌های کلیدی:** جایگاه اجتماعی، ادب، جنسیت، ارزیابی، درخواست، محیط

دانشگاه

## ۱. مقدمه

زبان یک نهاد اجتماعی است که برای پایداری ارتباط بین افراد جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هر جامعه افزون بر حفظ زبان و ارزش‌های آن باید با توجه به تحولات اجتماعی، تغییرات زبانی را برای هم‌خوانی با نیازهای افراد جامعه به همراه داشته باشد. جامعه‌شناسی زبان یکی از رشته‌های پرطرفدار و جذاب است که به جنبه‌های گوناگون زبان می‌پردازد و توجه پژوهشگران بسیاری را به خود جلب کرده است. این پژوهشگران تأثیر بافت اجتماعی بر زبان را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهند. یافته‌های پژوهش‌های انجام شده از نیمه دوم قرن بیستم به وسیله زبان‌شناسانی همچون لباو (Labov, 1966)، لیکاف (Lakoff, 1973, 1975, 2004)، ترادگیل (Trudgil, 1983) و فیشمن (Fishman, 1980) نشان می‌دهند عوامل اجتماعی مانند جایگاه افراد در جامعه، محیط زندگی، فرهنگ، سن، تحصیلات و حتی جنسیت افراد در بهره‌گیری از زبان تأثیرگذار هستند. لیکاف (Lakoff, 1975) دلیل تفاوت گفتار زنان و مردان را جایگاه قدرت می‌داند. وی با ارائه ویژگی‌هایی که با زبان زنان تناسب بیشتری دارد، زبان زنان را «زبانی ناتوان»<sup>۱</sup> می‌نامد و دلیل اصلی آن را چیرگی مردان و سلسله‌مراتب آن‌ها در جامعه بیان می‌کند. به باور لیکاف (Lakoff, 1975) زنان به دلیل داشتن جایگاه اجتماعی پایین‌تر در سطح جامعه از زبان ضعیف‌تری نسبت به مردان برخوردارند.

به باور لیکاف (Lakoff, 1973; Lakoff, 1975; Lakoff, 2004) ادب می‌تواند به شکل‌های گوناگونی همچون ادب زبان‌شناختی (ادب با استفاده از واژگان)، ادب غیر زبانی (با استفاده از حرکات بدن و واکنش) و یا ترکیبی از هر دو خود را نشان دهد. به باور وی دختران از کودکی یاد می‌گیرند که همانند زنان رفتار کنند و اگر این گونه رفتار نکنند، مورد نکوهش قرار می‌گیرند (Lakoff, 2004, p. 40). رفتار جامعه با پسران همانند دختران جدی نیست بلکه رفتارهای گستاخانه و خشن از طرف پسران مورد پذیرش جامعه بوده و نکوهش نمی‌شود. این

<sup>۱</sup> powerless language

رفتارها سبب ایجاد دو گفتار متفاوت مردانه و زنانه می شود (Lakoff, 2004, p. 40). بر مبنای دیدگاه کادار و میلز (Kadar & mills, 2011) متغیرهای اجتماعی مانند جنسیت، سن و جایگاه اجتماعی، مفاهیمی نسبی هستند و در تعیین رفتار مؤدبانه تأثیر گذارند. در بسیاری از فرهنگ‌های شرقی، این عوامل، تأثیر بسیاری در رعایت گفتار مؤدبانه دارند، به گونه‌ای که نادیده گرفتن این رفتار، خطای جدی به شمار می‌رود و رابطه بین افراد را دچار مشکل می‌سازد. در فرهنگ غربی سن و جایگاه افراد به جز در موارد ویژه تأثیری در رعایت ادب نسبت به آن‌ها ندارد (Kadar & Mills, 2011)

جایگاه اجتماعی مخاطب یکی از عوامل تأثیرگذار در رعایت ادب گویشور زبان است که موضوع بررسی این پژوهش است. مونت گومری (Montgomery, 1998)، بر این باور است افراد در هنگام سخن گفتن بدون توجه به جایگاه خود، بیشتر به جایگاه فرد مقابل توجه می‌کنند و بر حسب آن از واژه‌های مؤدبانه بهره می‌گیرند. در واقع، هر قدر جایگاه اجتماعی مخاطب بالاتر باشد ادب بیشتری از طرف گویشور زبان به کار گرفته می‌شود.

سخنوران یک زبان در تعاملات اجتماعی خود برای ایجاد و حفظ روابط مثبت و داشتن تعادل اجتماعی، مجموعه‌ای از استراتژی‌های زبانی را به کار می‌گیرند که در کاربردشناسی زبان آن را «اصل ادب» می‌نامند (Leech, 1983, p. 104).

به باور فیزالد (Fasold, 1990) زبان همواره تحت تأثیر اجتماع و شاخص‌های اجتماعی بوده و همین سبب ایجاد تفاوت و اختلاف درونی در جامعه شده است. شاخص‌هایی همچون جنسیت، سن، تحصیلات و به ویژه جایگاه اجتماعی تعیین‌کننده نوع کاربرد زبان در جامعه هستند (Fasold, 1990, p. 89).

جایگاه اجتماعی مخاطب و بافت گفت‌وگو بر دقت کلام و رعایت ادب و رمزگذاری زبانی تأثیرگذار هستند. این پژوهش به بررسی کاربرد ادب در پاسخ به درخواست‌ها با توجه به جایگاه اجتماعی مخاطب در محیط دانشگاهی می‌پردازد. آیا دانشجویان نسبت به درخواست‌های افراد مختلف در محیط دانشگاه پاسخ یکسانی می‌دهند یا جایگاه فرد در گوناگونی کلام و میزان ادب به کار گرفته شده توسط دانشجویان تأثیرگذار است. میزان بهره‌گیری از دانشجویان دختر و پسر از ادب چه تفاوتی با هم دارد و کدام یک از ادب بیشتری در کلام خود استفاده می‌کنند. هدف این پژوهش بررسی زبان به عنوان رویدادی زبانی-جامعه‌شناختی بین دانشجویان است. مشخصه‌های مورد بررسی شامل جایگاه اجتماعی افراد به عنوان متغیر اصلی و جنسیت افراد به عنوان متغیر فرعی هستند. این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به سه پرسش زیر است: نخست اینکه، آیا جایگاه

اجتماعی مخاطب در رعایت ادب کلامی گویشور زبان تأثیرگذار است؟ دوم آنکه، آیا جنسیت گویشور زبان در رعایت ادب در بافت دانشگاهی تأثیرگذار است؟ سوم اینکه، گویشوران زبان در برابر دختران مؤدب‌تر هستند یا پسران؟

## ۲. پیشینه و مبانی نظری پژوهش

پژوهش براون (Brown, 1980) در جامعه مایان<sup>۱</sup> نشان داد که گاهی مردان مؤدب‌تر از زنان هستند. وی دلیل چنین رفتارهایی را تفاوت اجتماعی مردان و زنان در جامعه بیان کرد. براون (همان) نظریه لیکاف را که ادعا می‌کند زنان مؤدب‌تر از مردان هستند، به چالش کشید. از دید او باید عامل‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز در سنجش میزان ادب در نظر گرفته شوند. بررسی‌های وی نشان داد که ارتباط بین رفتار و هنجار اجتماعی دقیقاً مشخص می‌کند که کجا و چه زمانی و در چه شرایطی کلام زنان با ویژگی‌های خاص همراه خواهد بود (Brown, 1980, p. 22).

ادب در تعاملات اجتماعی توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب نموده و سبب ایجاد نگاه گسترده‌تر به موضوع‌های اجتماعی شده‌است. از جمله این موضوع‌ها می‌توان گسترش ادب در تعاملات طبیعی و ادب به عنوان انگیزه کاربردی در ساختارهای زبان‌شناسی را نام برد (Brown, 2015, p. 330).

لیچ (Leech, 1996) فاصله بین گوینده و شنونده را در دو محور افقی و عمودی بررسی کرد. در محور عمودی که فاصله از نوع قدرت یا اقتدار است، خطاب‌ها مؤدبانه‌تر است؛ ولی در محور افقی که روابط دوستانه است بسته به موقعیت، سن، میزان رابطه دوستی و انواع خطاب‌ها کاربرد ضمایر و موارد مشابه متفاوت خواهد شد (Leech, 1996, p. 129).

واتس (Watts, 2003) در تعریف ادب، به صورت‌های مختلف رفتار اجتماعی اشاره می‌کند که در تمام فرهنگ‌های بشری مشاهده می‌شوند. وی مشاهده مشترک و متقابل نسبت به دیگران را از صورت‌های مختلف ادب می‌شمارد. از دیدگاه واتس (همان)، همکاری اجتماعی و دوراندیشی نسبت به دیگران از ویژگی‌های جهانی هر گروه فرهنگی و اجتماعی است.

از جمله پژوهش‌های دیگری که تأثیر جنسیت بر ادب را مورد بررسی قرار دادند، می‌توان به آثار بکستر (Baxter, 1984)، هفنر (Hefner, 1988) و اسمیت (Smith, 1992) اشاره کرد. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که با وجود بهره‌گیری بیشتر زنان از استراتژی‌های ادب، بی‌ادبی در

<sup>۱</sup> Mayan

قبال زنان در جامعه بیشتر رخ می دهد.

پژوهش ابراهیمی و مرادی (Ebrahimi and Moradi, 2019) نشان داد بین جنسیت، تحصیلات و به کارگیری زبان عاری از قدرت در گویش کردی ارتباط معناداری وجود دارد. تحصیلات در ایجاد زبان قوی و افزایش اعتماد به نفس در زنان تأثیر معناداری نداشت (Ebrahimi and Moradi, 2019, p. 2).

در مقاله رحمانی و همکاران (Rahmani et al, 2016) ثابت شد شخصیت‌های نوجوان در میان گروه‌های هم‌سن‌وسال از راهبردهای بی‌ادبی بیشتر استفاده می‌کنند و در برخورد با شخصیت‌های مسن‌تر از راهبردهای ادب بیشتری بهره می‌گیرند (Rahmani et al, 2016, p. 1). کیخایی و مظفری (Keikhaie and Mozaffari, 2012) در پژوهش خود میزان ادب به کاررفته زنان را در برابر زنان و مردان مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که زنان در برخورد با زنان از استراتژی ادب بیشتری نسبت به برخورد با مردان بهره می‌گیرند.

تفاوت‌های اجتماعی موجود در جامعه سبب می‌شود زنان محافظه‌کارانه‌تر در خواست‌های خود را مطرح کنند و الگوهای مؤدبانه‌تری را به کار گیرند. چرا که جامعه از زنان انتظار دارد در برخوردهایشان چه با جنس موافق و چه با جنس مخالف، متین‌تر و مؤدب‌تر باشند. یافته‌های پژوهش یعقوبی (Yaghoubi, 2008) نشان داد زنان و مردان هر دو در برخورد با جنس مخالف خود مؤدبانه‌تر عمل می‌کنند (Yaghoubi, 2008, p. 1).

باغبانی و کرم‌پور (Bagebani and Karampoor, 2017) ادعا می‌کنند بین ادب و قدرت ارتباط وجود دارد. به طور کلی افراد متمایل به حفظ ادب زبانی هستند و خود را با محیط و افراد آن سازگار می‌کنند. همه افراد جامعه در مکالمه‌ها از دیگران انتظار ادب دارند و هیچ‌گونه بی‌ادبی را نمی‌پسندند. در این میان، افراد دارای قدرت بیشتر نسبت به افراد ضعیف از راهبردهای بی‌ادبی (نقض ادب زبانی) بیشتری بهره می‌گیرند. در حالی که هر چقدر قدرت افراد کمتر باشد از استراتژی‌های ادب بیشتری بهره می‌گیرند. شیوه‌های رعایت پدیده ادب زبانی، پیروی روابط قدرت هستند و متغیر قدرت نقش مهمی در رابطه با اصل ادب دارد (Bagebani and Karampoor, 2017, P.17).

لیکاف (Lakoff, 1975) در مقاله «زبان و جایگاه زنان» که در سال (Lakoff, 2004) به کتاب تبدیل شد، در مورد جنبه‌های مختلف زبان زنان سخن می‌گوید. لیکاف (Lakoff, 2004) در مورد بهره‌گیری بیشتر زنان از عوامل طفره‌روی، صفت‌های تهی و پرسش‌های ضمیمه‌ای و عوامل اجتماعی دخیل در کاربرد آن‌ها سخن می‌گوید. به باور وی، انتظارات جامعه از زنان سبب

می‌شود که دختران از کودکی رفتاری بسیار سنجیده و شبیه به زنان داشته باشند. این در حالی است که جامعه از پسران انتظار رفتار بسیار مؤدبانه را ندارد و هر گونه رفتاری را از پسران کوچک می‌پذیرد. لیکاف (Lakoff, 2004) بهره‌گیری بیشتر زنان از پرسش‌های ضمیمه‌ای را نشان از ادب آن‌ها دانسته و هدف آن را ایجاد شرایطی می‌داند که فرد مقابل مجبور به تأیید آن‌ها نیست. لیکاف (همان) درخواست‌ها را دستور مؤدبانه‌ای می‌داند که همانند پرسش‌های ضمیمه‌ای عمل می‌کنند و شنونده مجبور به پذیرش آن‌ها نیست.

از دیدگاه لیکاف (Lakoff, 2004) باید اصول ویژه‌ای برای سنجش میزان ادب وضع شوند که با توجه به آن بعضی رفتارها مؤدبانه و بعضی رفتارها بی‌ادبانه انگاشته شوند. اما این رفتارها در فرهنگ‌های گوناگون متفاوت هستند، در هر فرهنگی، رفتارهای مؤدبانه و بی‌ادبانه، ویژه فرهنگ و افکار مردم آن جامعه هستند. با مقایسه رفتارها و گفتار گویشوران یک جامعه می‌توان دریافت رفتارهای ویژه‌ای که در یک جامعه مؤدبانه انگاشته می‌شوند ممکن است در جامعه دیگر بی‌ادبانه باشند. لیکاف سه اصل کلی برای ادب وضع کرد که مشتمل اند بر رسمیت (رعایت فاصله)، احترام (دادن اختیار) و همدلی (رفتار همدلانه). این سه اصل سبب می‌شوند افراد در برابر دیگران مؤدب رفتار کنند. لیکاف (همان) نمونه‌هایی از درخواست‌های را در کتاب خود مطرح می‌کند.

نمونه درخواست‌های مؤدبانه زیر از کتاب زبان و جایگاه زنان (Lakoff, 2004, P.51)

برگرفته شده‌اند:

۱. «در را باز کن.»

۲. «لطفاً در را باز کن.»

۳. «در را باز می‌کنی؟»

۴. «میشه لطفاً در را باز کنی؟»

۵. «در را باز نمی‌کنی؟»

این نمونه‌ها، شکل‌های گوناگون درخواست‌های مؤدبانه را نشان می‌دهند. نمونه‌های (۱) و (۲) نمونه‌های دستوری هستند، نمونه سوم درخواست ساده و نمونه‌های (۴) و (۵) درخواست‌های مؤدبانه مرکب هستند. نمونه (۵)، درخواست بسیار مؤدبانه به شمار می‌آیند و به شنونده اجازه می‌دهد به راحتی درخواست را نپذیرد (Lakoff, 2004, p. 51).

لیکاف در مورد ادب و استفاده زنان و مردان و دختران و پسران از آن سخن گفته‌است. بحث اینکه آیا جایگاه اجتماعی افراد در گفتار مؤدبانه گویشور زبان تأثیرگذار است، در کتاب لیکاف مورد بررسی قرار نگرفته‌است. با توجه به نظریه لیکاف (Lakoff, 2004) هر چه درخواست

پیچیده تر و جمله آن دارای واژه‌های بیشتری باشد مؤدبانه تر به شمار می آید. با در نظر گرفتن این مسأله، در این پژوهش پاسخ‌های دانشجویان به درخواست با توجه به تعداد و نوع واژه‌های به کاررفته، به گروه‌های بسیار مؤدبانه، مؤدبانه و کمتر مؤدبانه، دسته‌بندی شدند.

پژوهش گیبسون (Gibson, 2009) در مورد درخواست‌های مؤدبانه با در نظر گرفتن معیارهای لیکاف (Lakoff, 2004) مبنی بر به کارگیری تعداد واژه‌های بیشتر، ادب بیشتر، روشن نمود که مردان و زنان در پاسخ به درخواست افراد غیر همجنس مؤدب تر از زمان پاسخ به افراد همجنس عمل می‌کنند. در پژوهش گیبسون (Gibson, 2009) معلوم شد زنان با مردان مؤدب تر برخورد می‌کنند و مردان با زنان. این پژوهش نظریه لیکاف (Lakoff, 2004) و مونت‌گمری (Montgomery, 1998) را مبنی بر مؤدب بودن زنان به چالش کشید و دیدگاه جدیدی را به حوزه ادب افزود (Gibson, 2009, p. 2).

در این پژوهش با توجه به نظریه لیکاف (Lakoff, 2004) که زنان را مؤدب تر از مردان می‌داند، میزان کاربرد ادب توسط هر یک از دانشجویان دختر و پسر را در محیط دانشگاه برحسب جایگاه اجتماعی مخاطبین بررسی می‌کنیم. مخاطبین پژوهش در چهار گروه هیأت علمی، کارمندان، دانشجویان و خدمتکاران دانشگاه جای گرفتند. هدف پژوهش سنجش میزان ادب استفاده شده توسط دانشجویان در برابر این افراد است.

### ۳. روش پژوهش

این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است. برای گردآوری مبنای نظری و پیشینه پژوهش از کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌ها که بیشتر به صورت الکترونیکی و از طریق اینترنت در دسترس بودند بهره گرفته شد. برای گردآوری داده‌ها، به دلیل تعطیلی دانشگاه‌ها در زمان اجرای این پژوهش، اطلاعات مورد نیاز پژوهشگر با ارسال پرسش‌نامه به دانشجویان به صورت الکترونیکی گردآوری شد. پرسش‌نامه مورد نظر با توجه به پژوهش گیبسون (Gibson, 2009) بر مبنای نظریه لیکاف (Lakoff, 2004) و با هدف بررسی میزان و نوع واژه‌های (مؤدبانه و بی‌ادبانه) به کاررفته توسط هر یک از دانشجویان دختر و پسر طراحی و ارائه شد. شرکت‌کنندگان این پژوهش، از بین دانشجویان دانشگاه آزاد و علمی کاربردی به طور تصادفی انتخاب شدند و پرسش‌نامه برای همه دانشجویانی که در طول نیم‌سال جاری و گذشته با پژوهشگر کلاس داشتند، ارسال شد. از میان پاسخ‌های ارسالی ۲۴۰ نفر از دانشجویان، پاسخ‌های ۱۰۰ نفر از دانشجویان پسر و ۱۰۰ نفر از دانشجویان دختر، به صورت تصادفی انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفت. در هر گروه تعدادی از دانشجویان از پاسخ‌های کاملاً یکسانی برای همه مخاطبین بهره گرفته بودند و

دلیل آن را احترام به همه افراد جامعه بیان کرده بودند که به سبب بی تأثیر بودن پاسخ‌های یکسان در نتیجه پژوهش از آمار مورد بررسی حذف شدند. در نهایت، پاسخ‌های ۹۶ دانشجوی پسر و ۹۶ دانشجوی دختر بین سنین ۱۸ الی ۳۰ سال مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. مخاطب‌های پژوهش نیز بر حسب جایگاه اجتماعی خود در محیط دانشگاه به چهار گروه هیأت علمی، کارمندان، دانشجویان و خدمتگزاران دسته‌بندی شدند. در گروه نخست، رئیس دانشگاه، رئیس دانشکده، استادیار و مربی قرار گرفتند، در گروه دوم، مسئول آموزش، مسئول آزمون‌ها و مسئول کلاس‌ها قرار گرفتند، هم کلاسی‌های دختر و پسر گروه سوم را به خود اختصاص دادند و در گروه چهارم خدمتکاران دانشگاه و نگهبان درب ورودی دانشگاه قرار گرفتند. پاسخ‌های مورد استفاده دانشجویان دختر و پسر برای هر گروه به طور جداگانه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای بررسی نقش جایگاه اجتماعی افراد در پاسخ به درخواست در محیط دانشگاهی از آزمون تحلیل واریانس<sup>۱</sup> استفاده شد. برای بررسی میزان بهره‌گیری دختران و پسران از پاسخ‌های مؤدبانه از آزمون مقایسه‌ای دو گروه مستقل بهره گرفته شد. همچنین، گردآوری داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه زیر و با پرسش باز پاسخ، انجام شد.

### جدول ۱: پرسش‌نامه پژوهش

اگر هر یک از افراد زیر از شما بخواهند کاری برای آنها انجام دهید با چه کلماتی و چگونه به درخواست آن‌ها پاسخ می‌دهید.	
جنسیت پاسخ دهنده: زن <input type="checkbox"/> مرد <input type="checkbox"/>	
سن پاسخ دهنده:	
اگر پاسخ شما دلیل خاصی داشت در این قسمت توضیح دهید.	
	۱- رئیس دانشگاه ۲- رئیس دانشکده ۳- استادیار ۴- مربی
	۱- مسئول آموزش ۲- مسئول امتحانات ۳- مسئول کلاس‌ها
	۱- همکلاسی‌های پسر ۲- همکلاسی‌های دختر
	۱- خدومه دانشگاه ۲- نگهبان درب ورودی دانشگاه

<sup>۱</sup> ANOVA



#### ۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

با توجه به نظریه لیکاف (Lakoff, 2004) که در بخش بیان مسأله به آن اشاره شد، هر چه جمله‌های مورد استفاده پیچیده‌تر و شمار واژه‌های به کاررفته در آن بیشتر باشد، مؤدبانه‌تر به شمار می‌آید. در این بخش، با در نظر گرفتن دیدگاه لیکاف (Lakoff, 2004) در مورد ادب و پژوهش گیبسون (Gibson, 2009) - که در مورد درخواست‌های مؤدبانه برای سفارش غذا انجام شده بود- و با توجه به فرهنگ جامعه ایران در پاسخ به درخواست، پاسخ‌های مورد استفاده دانشجویان دختر و پسر، را به دو بخش دسته‌بندی کردیم: الف) پذیرفتن درخواست با پاسخ‌های مؤدبانه؛ ب) نپذیرفتن درخواست با پاسخ‌های مؤدبانه و بی‌ادبانه.

#### ۴. ۱. بخش نخست: قبول درخواست با پاسخ‌های مؤدبانه

پذیرفتن درخواست و پاسخ‌های به کاررفته برای پذیرش درخواست در سه گروه دسته‌بندی شدند که از این قرارند: ۱- پاسخ‌های بسیار مؤدبانه<sup>۱</sup>، ۲- پاسخ‌های مؤدبانه<sup>۲</sup> و ۳- پاسخ‌های کمتر مؤدبانه<sup>۳</sup>

#### ۴. ۱. ۱. بهره‌گیری از پاسخ‌های بسیار مؤدبانه

افراد برای ارائه پاسخ‌های مؤدبانه گاهی بی‌درنگ و به سرعت درخواست بیان شده را اجرا می‌کنند و گاهی با جمله‌های مؤدبانه درخواست مطرح شده را می‌پذیرند. در این بخش، پاسخ‌های بسیار مؤدبانه یا با اجرای سریع درخواست و یا با دادن پاسخ‌هایی با عبارت‌های دو بخشی و یا با بهره‌گیری سه واژه مؤدبانه پی‌درپی مشخص می‌شوند.

پاسخ‌های بسیار مؤدبانه در سه گروه قرار گرفتند:

الف- اجرای سریع درخواست به صورت مؤدبانه و بدون کلام

ب- کاربرد جمله‌های بسیار مؤدبانه، بلند و مرکب مانند «چشم، در اولین فرصت انجام می‌دهم»، «هرچه امر بفرماید اطاعت می‌شود»، «خیلی خوشحال می‌شوم در حد توانم در خدمتتان باشم»، «بله در حد توانم در خدمتتان هستم».

ج- کاربرد پاره گفته‌های سه‌بخشی همانند:

«بله، چشم، حتماً»، «بله حتماً مشکلی نیست»، «بله، چشم، سریع انجامش می‌دهم».

#### ۴. ۱. ۲. بهره‌گیری از پاسخ‌های مؤدبانه

کاربرد پاسخ‌های مؤدبانه را نیز در سه گروه واژه چشم، استفاده از دو واژه مؤدبانه و یا

<sup>1</sup> Super Polite Response –SPR

<sup>2</sup> Polite Response- PR

<sup>3</sup> Less Polite Response-LPR

پاره گفته‌های دوبخشی کوتاه دسته‌بندی شدند:

- الف- بهره‌گیری از یک واژه برای پاسخ، مانند «چشم»، «حتماً»، «البته»  
ب- کاربرد پاسخ‌های مؤدبانه دوبخشی همانند «چشم، حتماً»، «بله، چشم» و «بله حتماً»  
ج- بهره‌گیری از پاره گفته‌ای دوبخشی مانند «حتماً، سعی خودم را می‌کنم» و «حتماً، با کمال افتخار».

#### ۴. ۱. ۳. بهره‌گیری از پاسخ‌های کمتر مؤدبانه

کاربرد پاسخ‌های کمتر مؤدبانه نیز در سه گروه استفاده از واژگان تک‌واژه‌ای، بهره‌گیری از پاسخ‌های عامیانه و ایجاد شرط برای انجام کار دسته‌بندی شدند:

- الف- کاربرد واژه‌های عامیانه‌ی تک‌واژه‌ای همانند «بله»، «باشه»، «اوکی» و موارد مشابه.  
ب- بهره‌گیری از جمله‌های عامیانه مانند «شما جون بخواه»، «واست انجام می‌دم»، «حله حاجی»، «حله خیالت تخت»، «چشم داداش» و مواردی از این قبیل.  
ج- ایجاد شرط برای انجام درخواست از قبیل «اگه بهم ۱۸ بدین حتما این کار را انجام می‌دهم»، «بزارین سر امتحان تقلب کنم این کار را انجام می‌دهم» و موارد مشابه.

#### ۴. ۲. بخش دوم: نپذیرفتن درخواست

گاهی پاسخ‌دهنده به درخواست، شرایط لازم را برای اجرای درخواست ندارد و به صورت مؤدبانه و با عذرخواهی درخواست طرح شده را نمی‌پذیرد. گاهی افراد با شخص درخواست‌کننده بی‌ادبانه برخورد می‌کنند و با پاسخ گستاخانه درخواست را رد می‌کنند.

بخش نپذیرفتن درخواست نیز در پژوهش به سه دسته نپذیرفتن مؤدبانه درخواست<sup>۱</sup>، رد درخواست به صورت خنثی<sup>۲</sup> و نپذیرفتن بی‌ادبانه درخواست<sup>۳</sup> دسته‌بندی شده‌است.

#### ۴. ۲. ۱. رد مؤدبانه درخواست

رد مؤدبانه درخواست را می‌توان با بهره‌گیری از واژه‌ها و پاره گفته‌های مؤدبانه انجام داد:  
«کلاس دیر شده شرم‌منده» یا «خیلی دوست دارم کمکتون کنم ولی نمیتونم» یا «فکر نکنم بتونم انجام بدم»، «ببخشید این کار را بلد نیستم».

#### ۴. ۲. ۲. نپذیرفتن درخواست به صورت خنثی

نپذیرفتن درخواست به صورت خنثی نیز به سه حالت بررسی شد:

<sup>1</sup> Polite Rejection Response- PRR

<sup>2</sup> Null Rejection Response- NRR

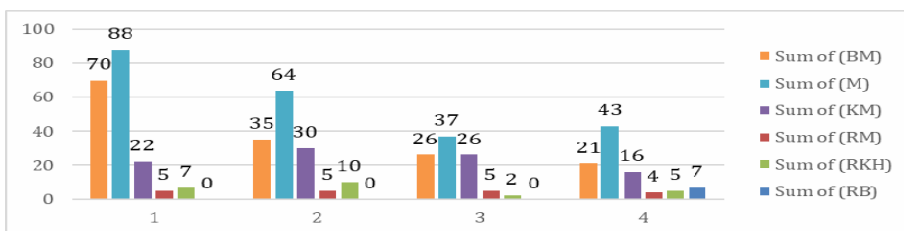
<sup>3</sup> Impolite Rejection Response- IRR

- الف- دادن پاسخ‌های خنثی. مانند «نمی‌توانم»، «وقت ندارم»، «من بلد نیستم».
- ب- بهره‌گیری از یک واژه یا پاره‌گفته برای رد درخواست. از قبیل «شرم‌منده»، «نه»، «متأسفم»
- ج- انجام حرکتی برای نشان دادن ناراحتی از درخواست مطرح شده. مانند «با نگاهی سرد»
- بله انجام می‌دهم» و یا «اجرای درخواست با دلخوری»

#### ۴.۲.۳. رد بی‌ادبانه درخواست

- الف- دادن پاسخ گستاخانه مانند «چرا خودت این کارو نمی‌کنی»، «من؟ چرا من؟»
- ب- ندادن اهمیت به درخواست مطرح شده از جمله «ندادن پاسخ»، «رد شدن با پاسخ سرسری»، «رد شدن بدون پاسخ»

نمودار زیر خلاصه‌ای از پاسخ‌های دانشجویان دختر و پسر را به مخاطب‌های چهار گروه نشان می‌دهد که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم.



شکل ۱: بهره‌گیری دانشجویان دختر و پسر از پاسخ‌های مؤدبانه در برابر چهار گروه مخاطب‌ها

شکل بالا خلاصه‌ای از پاسخ‌های دختران و پسران در پاسخ به درخواست نشان می‌دهد. همان گونه که روشن است، پاسخ دانشجویان به گروه اول که هیأت علمی دانشگاه هستند بسیار مؤدبانه‌تر از پاسخ به گروه چهارم است که خدمه دانشگاه را تشکیل می‌دهند. در گروه دوم، پاسخ‌ها به نسبت پاسخ‌های گروه اول از ادب کمتری برخوردار هستند. در گروه سوم نسبت ادب در پاسخ‌ها از گروه دوم هم کمتر است. بنابراین، به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت با کاهش جایگاه اجتماعی افراد در محیط دانشگاهی بهره‌گیری از ادب در برابر آن‌ها نیز کاهش پیدا می‌کند. البته ۶٪ از دانشجویان به همه مخاطب‌ها پاسخ یکسان و مؤدبانه داده بودند که در نتیجه پژوهش دخالت داده نشدند.

#### ۵. بررسی پاسخ‌های دانشجویان

۵.۱. بررسی پاسخ‌های دانشجویان به درخواست‌های مخاطب‌های سطح یک  
با توجه به درجه‌بندی پاسخ‌های دانشجویان از بسیار مؤدبانه تا کمتر مؤدبانه و نپذیرفتن درخواست،

داده‌های به‌دست‌آمده از دانشجویان پسر نشان می‌دهد که نزدیک به ۹۲٪ درصد از پاسخ‌ها به درخواست‌های رئیس دانشگاه و رئیس دانشکده مؤدبانه بوده‌است.

داده‌های آماری نشان می‌دهد که کاربرد واژه‌های بسیار مؤدبانه در برابر رئیس دانشگاه در مقایسه با رئیس دانشکده به میزان جزئی کمتر بوده‌است. شاید این برخورد به سبب ارتباط کمتر دانشجویان با رئیس دانشگاه باشد و پاسخ‌های مؤدبانه آن‌ها به رئیس دانشکده به سبب ارتباط مستقیم آموزشی باشد. در هر شرایطی دانشجویان پسر در برخورد با رئیس دانشگاه و رئیس دانشکده ۹۲٪ درصد از پاسخ‌های مؤدبانه استفاده نمودند و ۸٪ درصد پاسخ‌ها غیر مؤدبانه و یا نپذیرفتن درخواست بوده که بیشتر به دلیل گرفتاری شخصی دانشجو و یا موارد برخورد‌های شخصی بوده‌است.

### جدول ۲: درصد کاربرد پاسخ‌های مؤدبانه توسط دانشجویان پسر در مقابل مخاطب‌های سطح یک

مجموع	رد	رد	رد	مجموع	پاسخ	پاسخ	پاسخ	
رد	درخواست	درخواست	درخواست	پاسخ‌های	کمتر	مؤدبانه	بسیار	
درخواست‌ها	بی‌ادبانه	خنثی	مؤدبانه	مؤدبانه	مؤدبانه	مؤدبانه	مؤدبانه	
۸,۳۳٪	-	۸.۳۳	-	۹۱,۶۷٪	۸.۳۳	۴۵.۸۴	۳۷.۵	رئیس دانشگاه
۸,۳۳٪	-	۴.۱۶	۴.۱۷	۹۱,۶۷٪	۴.۱۷	۴۱.۶۷	۴۵.۸۳	رئیس دانشکده
۸,۳۳٪	-	۸.۳۳	-	۹۱,۶۷٪	۴.۱۷	۵۰	۳۷.۵	استادیار
۴,۱۷٪	-	-	۴.۱۷	۹۵,۸۳٪	۳۷.۵	۳۷.۵	۲۰.۸۳	مریی

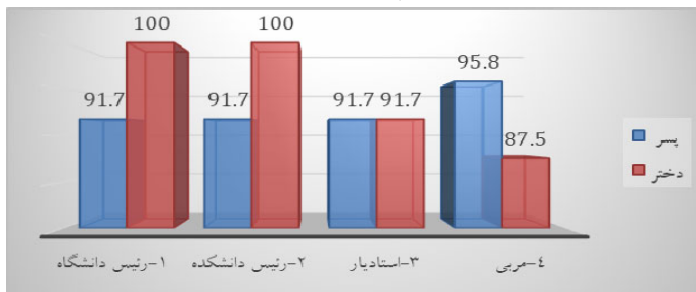
پاسخ‌های دانشجویان پسر به استادیار نیز با کمی تفاوت در پراکنندگی پاسخ‌های مؤدبانه ۹۲ درصد بوده و پاسخ‌های مؤدبانه با میزان ۵۰ درصد، بیشترین پاسخ‌ها را به خود اختصاص داده بودند. پاسخ‌های بی‌کارگرفته‌شده در برابر درخواست مریی نزدیک به ۲۱ درصد بسیار مؤدبانه و ۵.۳۷ درصد مؤدبانه و ۳۷.۵ درصد کمتر مؤدبانه بودند. این آمار نشان می‌دهد به سبب ارتباط بیشتر بین مریی و دانشجو در کنار رعایت ادب، صمیمیت وجود دارد و دانشجویان پاسخ‌های مؤدبانه صمیمی‌تر را به کار می‌برند که در این پژوهش این پاسخ‌ها را کمتر مؤدبانه نامیده‌ایم.

جدول ۳: درصد کاربرد پاسخ‌های مؤدبانه توسط دانشجویان دختر در مقابل مخاطب‌های

سطح یک

مجموع	رد	رد	رد	مجموع	پاسخ	پاسخ	پاسخ	
رد	درخواست	درخواست	درخواست	پاسخ‌های	کتر	مؤدبانه	بسیار	
درخواست‌ها	بی‌ادبانه	خنثی	مؤدبانه	مؤدبانه	مؤدبانه	مؤدبانه	مؤدبانه	
-	-	-	-	٪۱۰۰	۴.۱۷	۴۵.۸۳	۵۰	رئیس دانشگاه
-	-	-	-	٪۱۰۰	۴.۱۷	۴۵.۸۳	۵۰	رئیس دانشکده
٪۸,۳۴	-	۴.۱۷	۴.۱۷	٪۹۱,۶۶	۰.۶۶	۵۰	۲۵	استادیار
					۱۶			
٪۱۲,۵۰	-	۴.۱۷	۸.۳۳	٪۸۷,۵	۱۲.۵	۵۰	۲۵	مریی

پاسخ‌های به‌دست آمده از دختران بر مبنای جدول (۲) نشان می‌دهند که استفاده از پاسخ‌های مؤدبانه برای رئیس دانشگاه و دانشکده کاملاً برابر بوده است. بهره‌گیری از پاسخ‌های بسیار مؤدبانه بیشترین میزان را داشته و استفاده از پاسخ‌های مؤدبانه با اختلاف جزئی در رده دوم قرار داشته و بهره‌گیری از پاسخ‌های کمتر مؤدبانه کمترین کاربرد را در برخورد با رئیس دانشگاه و دانشکده داشته است. در میان پاسخ‌های داده شده به استادیار و مریی پاسخ‌های بسیار مؤدبانه یک چهارم آمار یعنی ۲۵٪ درصد را به خود اختصاص داده بودند ولی استفاده از پاسخ‌های مؤدبانه بیشترین میزان یعنی ۵۰٪ درصد را به خود اختصاص داده بود. کاربرد پاسخ‌های کمتر مؤدبانه توسط دانشجویان دختر در برابر مریی و استادیار در رده سوم قرار داشت. دختران در برابر درخواست‌های رئیس دانشگاه و رئیس دانشکده نپذیرفتن درخواست نداشتند در حالی که در برابر مریی و استادیار چندین مورد نپذیرفتن درخواست نیز به چشم می‌خورد.



شکل ۲: مقایسه میزان بهره‌گیری دختران و پسران از شاخص ادب در مقابل مخاطب‌های

سطح یک

شکل (۲)، نشان می‌دهد دختران در مقایسه با پسران میزان ادب بیشتری را در برابر رئیس دانشگاه و رئیس دانشکده به کار برده بودند. میزان کاربرد ادب در برابر استادیار از سوی دختران و پسران برابر بوده است. میزان به کارگیری ادب در برابر مربی از سوی پسران بیشتر بوده است. بر این مبنای، این یافته به دست آمد که دختران با توجه با جایگاه اجتماعی مخاطب از ادب بیشتری بهره می‌گیرند، در حالی که پسران در محیط‌های صمیمی ادب بیشتری را به کار می‌برند.

### ۲.۵. بررسی پاسخ‌های دانشجویان به درخواست‌های مخاطب‌های سطح دو

مخاطب‌های گروه دوم شامل کارمندان اداری دانشگاه بودند که در این جا پاسخ‌های داده شده به مسئول آموزش، مسئول آزمون‌ها و مسئول کلاس‌ها مورد بررسی قرار گرفتند.

#### جدول ۴: درصد کاربرد پاسخ‌های مؤدبانه توسط دانشجویان پسر در مقابل مخاطب‌های

##### سطح دو

مجموع	رد	رد	رد	مجموع	پاسخ	پاسخ	پاسخ	
رد	درخواست	درخواست	درخواست	پاسخ‌های	کمتر	مؤدبانه	بسیار	
درخواست‌ها	بی ادبانه	خنثی	مؤدبانه	مؤدبانه	مؤدبانه		مؤدبانه	
مستول آموزش	۸,۳۴٪	-	۴.۱۷	۴.۱۷	۹۱,۶۶٪	۱۲.۵	۵۰	۲۹.۱۶
مستول امتحانات	۱۲,۵٪	-	۸.۳۳	۴.۱۷	۸۷,۵٪	۶۷	۵۰	۲۰.۸۳
مستول کلاس‌ها	۲۰,۸۳٪	-	۱۲.۵	۸.۳۳	۷۹,۱۷٪	۲۵	۳۷.۵	۱۶.۶۷

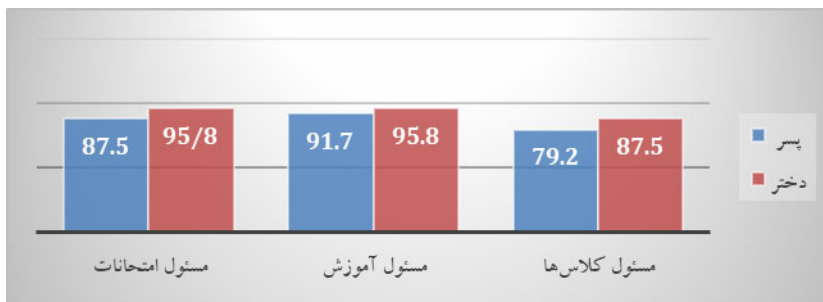
داده‌های به دست آمده در جدول (۳)، نشان می‌دهد که به کارگیری پاسخ‌های بسیار مؤدبانه برای کارکنان دانشگاه در مقایسه با اعضای هیئت علمی بسیار کمتر است. به کارگیری پاسخ‌های مؤدبانه بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است و بهره‌گیری از پاسخ‌های کمتر مؤدبانه نیز در مقایسه با اعضای هیئت علمی بیشتر است. این یافته پژوهش نشان‌دهنده کاربرد کمتر ادب در برابر کارکنان دانشگاه در مقایسه با اعضای هیئت علمی دانشگاه است. در مورد نپذیرفتن درخواست می‌توان دید که در مقایسه با اعضای هیئت علمی نپذیرفتن درخواست در پاسخ به کارکنان دانشگاه بیشتر است. گاهی شرکت‌کننده‌های پژوهش دلیل نپذیرفتن درخواست را مشکلات جانبی و بین فردی با این افراد مطرح کرده بودند.

**جدول ۵: درصد کاربرد پاسخ‌های مؤدبانه توسط دانشجویان دختر در مقابل مخاطب‌های**

**سطح دو**

مجموع	رد	رد	رد	مجموع	پاسخ	پاسخ	پاسخ	
رد	درخواست	درخواست	درخواست	پاسخ‌های	کتر	مؤدبانه	بسیار	
درخواست‌ها	بی ادبانه	خشتی	مؤدبانه	مؤدبانه	مؤدبانه	مؤدبانه	مؤدبانه	
٪۴,۱۷	-	۴.۱۷	-	٪۹۵,۸۳	۰.۶۷	۵۰	۲۹.۱۶	مسئول
					۱۶			آموزش
٪۴,۱۷	-	۴.۱۷	-	٪۹۵,۸۳	۲۵	۳۷.۵	۳۳.۳۳	مسئول
								امتحانات
٪۱۲,۵	-	۸.۳۳	۴.۱۷	٪۸۷,۵	۰.۱۷	۰.۶۶	۱۶.۶۷	مسئول
					۲۹	۴۱		کلاس‌ها

در بین دانشجویان دختر نیز با توجه به داده‌های به دست آمده در جدول (۴)، می‌توان دید که کاربرد پاسخ‌های بسیار مؤدبانه در برابر کارکنان دانشگاه نسبت به اعضای هیأت علمی سیر نزولی داشته و کاربرد پاسخ‌های مؤدبانه بیشتر بوده‌است. همچنین بهره‌گیری از پاسخ‌های کمتر مؤدبانه در مقایسه با پاسخ‌های اعضای هیأت علمی بیشتر شده‌است. پذیرفتن درخواست نیز بین دختران برای اعضای هیأت علمی مؤدبانه بوده، در حالی که برای کارکنان دانشگاه به صورت خشتی به کار رفته‌است. این یافته، نشان می‌دهد در میان دانشجویان دختر، میزان کاربرد ادب در برابر کارکنان دانشگاه در مقایسه با اعضای هیأت علمی کمتر است.



**شکل ۳: مقایسه میزان بهره‌گیری دختران و پسران از پاسخ‌های مؤدبانه در مقابل مخاطب‌های سطح دو**

بر اساس شکل (۳)، بررسی پاسخ‌های دختران و پسران نشان می‌دهد که درصد به کارگیری پاسخ‌های مؤدبانه توسط دانشجویان دختر در مقایسه با دانشجویان پسر در برابر مخاطب‌های سطح دو بیشتر بوده‌است. همان گونه که در شکل (۳) روشن است در هر ستون پاسخ‌های پسران به رنگ

آبی و پاسخ‌های دختران به رنگ قرمز هستند و در همه ستون‌ها درصد پاسخ‌های مؤدبانه دخترها بیشتر از پسرها است.

### ۳.۵. بررسی پاسخ‌های دانشجویان به درخواست‌های مخاطب‌های سطح سه

مخاطب‌های سطح سه از جمله همکلاسی‌های دانشجویان در دو گروه جنسی دختران و پسران مورد بررسی قرار گرفتند تا روشن شود آیا هر یک از دختران و پسران دانشجو در برابر هم کلاسی‌های همجنس مؤدب‌ترند یا در مقابل هم کلاسی‌های غیر همجنس.

جدول ۵: درصد کاربرد پاسخ‌های مؤدبانه توسط دانشجویان پسر در مقابل مخاطب‌های

#### سطح سه

مجموع	رد	رد	رد	مجموع	پاسخ	پاسخ	پاسخ	
رد	درخواست	درخواست	درخواست	پاسخ‌های	کمتر	مؤدبانه	بسیار	
درخواست‌ها	بی‌ادبانه	خنثی	مؤدبانه	مؤدبانه	مؤدبانه	(PR)	مؤدبانه	
	(IRR)	(NRR)	(PRR)		(LPR)		(SPR)	
همکلاسی	-	-	۴.۱۷	٪۹۵.۸۳	۲۵	۵۰	۲۰.۸۳	پسر
همکلاسی	-	-	۱۲.۵	٪۸۷.۵	۲۰.۸۳	۵۰	۱۶.۶۷	دختر

داده‌های جدول (۵)، نشان می‌دهد دانشجویان پسر از پاسخ‌های مؤدبانه تقریباً نزدیکی برای پاسخ دادن به هم کلاسی‌های پسر و دختر بهره می‌گیرند. ولی بررسی پاسخ‌های بسیار مؤدبانه پسرها نشان می‌دهد پسرها در برخورد با هم کلاسی‌های پسر مؤدب‌تر از همکلاسی‌های دختر هستند. نپذیرفتن درخواست در پاسخ‌های پسران دانشجو در برابر همکلاسی‌های پسر ۴.۱۷٪ بوده ولی در برابر همکلاسی‌های دختر ۱۲.۵٪ بوده است که نشان می‌دهد آن‌ها در برابر دختران بیشتر از نپذیرفتن درخواست بهره گرفته و احترام کمتری برای آن‌ها در نظر می‌گیرند.

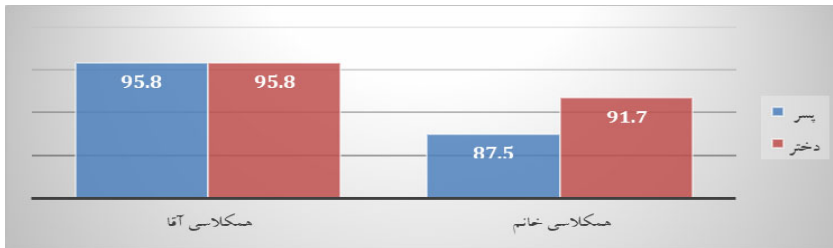


**جدول ۶: درصد کاربرد پاسخ‌های مؤدبانه توسط دانشجویان دختر در مقابل مخاطب‌های**

**سطح سه**

مجموع	رد	رد	رد	مجموع	پاسخ	پاسخ	پاسخ	
رد	درخواست	درخواست	درخواست	پاسخ‌های	کمت	مؤدبانه	بسیار	
درخواست‌ها	بی ادبانه	خنثی	مؤدبانه	مؤدبانه	مؤدبانه		مؤدبانه	
همکلاسی	-	۴.۱۷	-	۹۵.۸۳٪	۲۵	۳۳.۳۳	۳۷.۵	پسر
همکلاسی	-	۴.۱۷	۴.۱۷	۹۱.۶۶٪	۳۷.۵	۲۰.۸۳	۳۳.۳۳	دختر

با توجه به یافته‌های به دست آمده از پاسخ‌های دانشجویان دختر بر مبنای جدول (۶)، می‌توان دید که دانشجویان دختر در برخورد با همکلاسی‌های پسر مؤدب‌تر بوده‌اند و بهره‌گیری از پاسخ‌های بسیار مؤدبانه و مؤدبانه در برابر همکلاسی‌های پسر نسبت به همکلاسی‌های دختر بیشتر بوده‌است. بهره‌گیری از پاسخ‌های کمتر مؤدبانه و نپذیرفتن درخواست از سوی دختران در برابر همکلاسی‌های دختر بیشتر بوده‌است. به طور کلی، این نتیجه به دست آمد که دختران در برخورد با پسران مؤدب‌تر از برخورد با دختران بوده‌اند.



**شکل ۴: مقایسه میزان بهره‌گیری دختران و پسران از پاسخ‌های مؤدبانه در مقابل مخاطب‌های سطح سه**

برخلاف نظریه مطرح شده توسط لیکاف که ادعا داشت زنان و مردان در برخورد با زنان مؤدب‌تر از برخورد با مردان عمل می‌کنند. داده‌های جدول بالا نشان می‌دهد که دختران و پسران دانشجوی هر دو در پاسخ به دانشجویان پسر مؤدب‌تر از دانشجویان دختر بوده‌اند. افزون بر این، بهره‌گیری از پاسخ‌های مؤدبانه توسط پسران در برابر دختران بسیار کم است.

۵. ۴. بررسی پاسخ‌های دانشجویان به درخواست‌های مخاطب‌های سطح چهار

جدول ۷: درصد کاربرد پاسخ‌های مؤدبانه توسط دانشجویان پسر در مقابل مخاطب‌های سطح چهار

مجموع		رد		رد		رد		مجموع		پاسخ	پاسخ	پاسخ
رد		درخواست		درخواست		درخواست		پاسخ‌های		کمتر	مؤدبانه	بسیار
درخواست‌ها		بی‌ادبانه		ختی		مؤدبانه		مؤدبانه		مؤدبانه	مؤدبانه	مؤدبانه
خدمه	۲۰	۸۳	۵۰	۶۷	۸۷,۵٪	۴.۱۷	-	۸.۳۳	۱۲,۵٪			
دانشگاه				۱۶								
نگهبان	۲۰	۸۳	۴۵	۸۴	۷۵٪	۱۲.۵	۴.۱۷	۸.۳۳	۲۵٪			
درب												
ورودی												
دانشگاه												

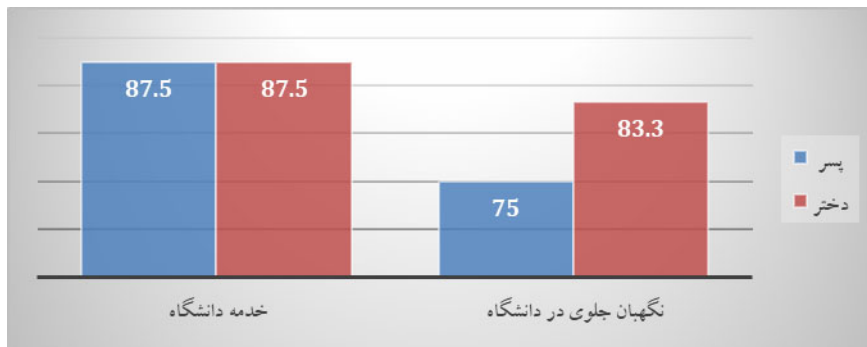
یافته‌های به دست آمده از پاسخ‌های پسران به درخواست‌های مخاطب‌های سطح چهار نشان می‌دهد استفاده از پاسخ‌های بسیار مؤدبانه برای این مخاطبین در مقایسه با مخاطبین سطح یک کاهش چشم‌گیری داشته‌است، ولی در مقایسه با مخاطبین سطح دو و سطح سه چندان متفاوت نبوده‌است. نپذیرفتن درخواست که در سه گروه پیشین محسوس نبود، در گروه چهارم به صورت چشمگیری افزایش یافته‌است. همان گونه که داده‌های جدول (۸) نشان می‌دهد نپذیرفتن درخواست از سوی پسران در برابر نگهبان درب ورودی، بیشتر از خدمه دانشگاه بوده‌است. دلیل چنین برخوردی با نگهبان درب ورودی، تنش‌هایی است که از سوی این نگهبان در پیوند با پوشش دانشجویان و یا ورود اتومبیل‌های دانشجویان به فضای دانشگاه ایجاد می‌شود و این رفتار سبب می‌شود دانشجویان در برابر این افراد رفتاری انتقام‌جویانه از خود نشان دهند.

**جدول ۸: درصد کاربرد پاسخ‌های مؤدبانه توسط دانشجویان دختر در مقابل مخاطب‌های**

**سطح چهار**

مجموع	رد	رد	رد	مجموع	پاسخ	پاسخ	پاسخ
رد	درخواست	درخواست	درخواست	پاسخ‌های	کتر	مؤدبانه	بسیار
درخواست‌ها	بی‌ادبانه	خنثی	مؤدبانه	مؤدبانه	مؤدبانه		مؤدبانه
خدمه	۸,۳۳٪	۸.۳۳	-	۹۱,۶۷٪	۶۷	۳۷.۵	۳۳.۳۳
دانشگاه					۱۶		
نگهبان	۱۶,۶۶٪	۸.۳۳	۸.۳۳	۸۳,۳۴٪	۲۵	۴۵.۸۴	۱۲.۵
جلو در							
دانشگاه							

میزان کاربرد پاسخ‌های مؤدبانه به وسیله دختران در برابر مخاطب‌های سطح چهار نیز در مقایسه با مخاطب‌های سطح یک بسیار کمتر بوده است. با مقایسه میزان ادب مورد استفاده دختران دانشجو برای خدمه دانشگاه و نگهبان ورودی می‌توان دریافت دختران به خدمه نسبت به نگهبان ورودی، احترام بیشتری می‌گذارند. این رفتار نیز نمایانگر عملکرد نگهبان است که در محیط دانشگاه نسبت به پوشش و آرایش دختران واکنش نشان می‌دهند. بهره‌گیری از پاسخ‌های نپذیرفتن درخواست که در برابر مخاطبین سطح یک و سطح دو آشکار نبود در پاسخ به مخاطبین سطح چهار کاملاً آشکار است. نپذیرفتن درخواست نگهبان درب ورودی دانشگاه به دلیل برخوردی که با دانشجویان دارد و استفاده از این عامل در مقایسه با خدمه دانشگاه ۵۰٪ بیشتر است.



**شکل ۵: مقایسه میزان بهره‌گیری دختران و پسران از پاسخ‌های مؤدبانه در مقابل مخاطب‌های سطح چهار**

با توجه به شکل (۵)، میزان کاربرد پاسخ‌های مؤدبانه در برابر خدمه دانشگاه از سوی دانشجویان دختر و پسر در مقایسه با نگهبان ورودی دانشگاه بیشتر بوده است. همان گونه که شرح

داده شد وظایف نگهبان ورودی سبب می‌شود دانشجویان نسبت به آن‌ها واکنش نشان داده و رفتار مؤدبانه‌ای نداشته باشند. با مقایسه پاسخ‌های دختران و پسران می‌توان دریافت این دو گروه در برابر خدمه پاسخ‌های مؤدبانه برابری داشته‌اند، در حالی که بهره‌گیری از پاسخ‌های مؤدبانه در برابر نگهبان ورودی دانشگاه از سوی دختران بیشتر از پسران بوده‌است. می‌توان چنین نتیجه گرفت که رفتار و گفتار مخاطب یکی از عوامل تأثیرگذار در ادب گویشور زبان است.

## ۶. نتیجه‌گیری

مجموع داده‌های به‌دست‌آمده از کاربرد ادب در بین دانشجویان دختر و پسر و داده‌های به‌دست‌آمده از آزمون تحلیل واریانس با سطح معناداری ۰/۲۷ درصد و سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان داد بین میزان کاربرد پاسخ‌های مؤدبانه دانشجویان و جایگاه اجتماعی مخاطب رابطه معناداری وجود دارد. هر چه جایگاه اجتماعی افراد بالاتر باشد رعایت ادب نیز در برابر آن‌ها بیشتر است و با تنزل جایگاه اجتماعی افراد، کاربرد پاسخ‌های مؤدبانه نیز کاهش پیدا می‌کند. پس در پاسخ به پرسش نخست می‌توان گفت جایگاه اجتماعی مخاطب در رعایت ادب کلامی گویشور زبان تأثیرگذار است. این پژوهش، نتیجه پژوهش‌های کادار و میلز (Kadar and mills, 2011) و بخشی از پژوهش مونت‌گومری (Montgomery, 1998) را مبنی بر تأثیر جایگاه اجتماعی افراد بر رعایت ادب تأیید می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهند جایگاه اجتماعی افراد در رعایت ادب نسبت به آن‌ها تأثیرگذار است.

گاهی دانشجویان عواملی از جمله برخورد‌های افراد را دلیل کاربرد پاسخ‌های بی‌ادبانه یا نپذیرفتن درخواست بیان کرده‌اند. بنابراین، می‌توان گفت که رفتار و گفتار مخاطب زبان از عوامل تأثیرگذار در رعایت ادب کلامی گویشور زبان است. روی هم رفته، یافته‌های پژوهش سیر نزولی بهره‌گیری از پاسخ‌های مؤدبانه را با تنزل جایگاه اجتماعی افراد نشان داده‌اند. همچنین یافته‌های بهره‌گیری از نپذیرفتن بی‌ادبانه درخواست را در برابر کارکنان دارای جایگاه اجتماعی پائین‌تر در دانشگاه نشان دادند.

در پاسخ به پرسش دوم می‌توان گفت که جنسیت افراد در کاربرد ادب تأثیر آشکاری ندارد. در هر دو گروه دختران و پسران شاهد سیر نزولی استفاده از ادب با تنزل جایگاه اجتماعی افراد بودند. همچنین میزان مؤدب بودن پسران و دختران که با آزمون مقایسه‌ای دو گروه مستقل انجام شد، با سطح معناداری ۰/۰۴ درصد و سطح اطمینان ۹۵٪ درصد تفاوت آشکاری را بین میزان استفاده دختران و پسران از پاسخ‌های مؤدبانه نشان نداد.

یافته‌های پژوهش با دیدگاه‌های لیکاف (Lakoff, 2004) و مونت گمری (Montgomery, 1998) مبنی بر استفاده بیشتر زنان از ادب، همگام نبود و نشان داد که تفاوت آشکاری بین استفاده دختران و پسران از ادب وجود ندارد. این پژوهش در تأیید پژوهش گیسون (Gibson, 2009) میزان بهره‌گیری یکسان دختران و پسران از ادب را نشان می‌دهد.

در پاسخ به پرسش سوم در مورد اینکه گویشوران زبان در برابر کدام گروه جنسی مؤدب‌تر هستند، مقایسه میزان استفاده دختران و پسران از ادب در برابر همکلاسی‌های دختر و پسر با توجه به شکل (۴) نشان داد که دختران در برابر پسران از ادب بیشتری استفاده نمودند. این نتیجه منطبق با پژوهش‌های بکستر (Baxter, 1984)، اسمیت-هفنر (Smith-Hefner, 1988) و اسمیت (Smith, 1992) است که ادعا داشتند با وجود بهره‌گیری بیشتر زنان از ادب، بی‌ادبی نسبت به زنان در جامعه بیشتر انجام می‌شود.

همچنین یافته پژوهش حاضر با پژوهش کیخایی و مظفری (Keikhaie and Mozaffari, 2012) که ادعا داشتند زنان در برخورد با زنان از ادب بیشتری نسبت به برخورد با مردان بهره می‌برند در تضاد است، چرا که نتیجه نشان داد دختران دانشجو در برخورد با پسران مؤدب‌تر بوده‌اند.

یافته‌های پژوهش حاضر، مربوط به محیط دانشگاهی بوده و نمی‌توان آن را به افراد عادی جامعه تعمیم داد. برای بررسی پاسخ‌های افراد عادی، نیاز به پژوهش‌های بیشتر در سطح جامعه است که هم پاسخ‌های افراد تحصیل کرده و هم افراد معمولی را بررسی کرده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند.

## فهرست منابع

- ابراهیمی، ژینو و روناک مرادی (۱۳۹۸). «بررسی قدرت و قاطعیت گفتار گویشوران کردزبان براساس رویکرد تسلط لیکاف». *زبان پژوهی*. دوره ۱۱. شماره ۲۳. صص ۱۲۶-۱۰۳.
- باغبانی، غزل و فاطمه کرم‌پور (۱۳۹۶). «بررسی چگونگی رابطه بین شاخص قدرت و پدیده ادب زبانی در روند بازجویی به لحاظ زبان‌شناختی: رویکردی گفتمانی و حقوقی». *پژوهش‌های زبانی*. دوره ۸. شماره ۲. صص ۱-۲۰.
- رحمانی، حسین، یحیی مدرس، مریم‌السادات غیاثیان و بهمن زندی، (۱۳۹۵). «ادب و بی‌ادبی در رمان‌های نوجوانان فارسی زبان». *جستارهای زبانی*. دوره ۷. شماره ۵. صص ۶۷-۹۰.
- یعقوبی، هما (۱۳۸۷). *تأثیر جنسیت بر شیوه بیان تقاضا در زبان فارسی*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد.

## References

- Bagebani, G., and Karampour, F. (2017). The Relationship between Power Indicator and the Language of Politeness in the Process of Interrogation: A Discourse and Legal Approach. *Language Research*, 8(2), 1-20. [In Persian]
- Baxter, L. A. (1984). An Investigation of Compliance-Gaining as Politeness. *Human Communication Research*. 10, (3), 427.
- Brown, P. (1980). How and why are women more polite. Some evidence from Mayan community. In S. Mc Connell, Ginet, R. Border and N. Fuman (eds). *Women and language in literature and Society*, 111-136. New York: Praeger.
- Brown, P. (2015). Politeness and Language. *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, 18(2), 326-330.
- Ebrahimi, z., and Moradi, R. (2019). The study on power and certainty in the language of Kurdish speakers based on Lakoff's Dominance Approach, *Zabanpazhuhi*. 11 (23), 103- 126 [In Persian]
- Fasold, R. (1990). *The Sociolinguistics of Language*. Oxford: Basil Blackwell.
- Fishman, P. M. (1980). Conversational insecurity. In H. Giles, W. P. Robinson, & P. M. Smith (Eds.), *Language: Social psychological perspectives* (pp. 127–132). Oxford, England: Pergamon Press.
- Gibson, E. K (2009). Gender, polite questions and the fast-food industry. *Griffith Working Papers in Pragmatics and Intercultural Communication*, 2 (1), 1-17.
- Kadar, D. Mills, S. (2011). *Politeness in East Asia. United States of America*. Cambridge: Cambridge University press.
- Keikhaie, Y. and Mozaffari, Z. (2012). A Socio-Linguistic-Survey on Females' Politeness Strategies in the Same Gender and in the Cross-Gender Relationship. *Iranian Journal of Applied Language Studies*. 15(2), 51-81.
- Labov, W. (1966). *The social stratification of English in New York City*. Washington DC: Center for Applied Linguistics.
- Lakoff, R. (1975). *Language and Woman's Place*. New York: Harper & Row.
- Lakoff, R. (1973). language and women's place. *Language in Society*, 2, 45-79.
- Lakoff, R. (2004). *Language and Woman's Place, Text and Commentaries*. Oxford: Oxford University Press.
- Leech, G.N. (1983). *Principles of Pragmatics*. New York: Longman.
- Leech, G.N. (1996.). *English in Advertising*, London: Longman.
- Montgomery, M. B. (1998). *Multiple modals in LAGS and LAMSAS in from The Gulf States and beyond: The legacy of Lee Pederson and LAGS*. Tuscaloosa: University of Alabama.
- Rahmani H, Modarresi Y, Ghiasian M S, Zandi B. (2016). Politeness and Impoliteness in Persian-Speaking Youngsters' Novels. *Modares Journal of Linguistics*. 7 (5), 67-90. [In Persian]
- Smith, J. S. (1992). Women in Charge: Politeness and Directives in the Speech of Japanese Women. *Language in Society*, 21(1).
- Smith-Hefner, N. J. (1988). Women and Politeness: The Javanese Example. *Language in Society*, 17 (4), 535-554.
- Trudgill, P. (1983). Sociolinguistics. *An introduction to language and society*. Harrnod Swarth, England: Penguin books.
- Watts, R. J. (2003). *Politeness, UK*: Cambridge University Press
- Yaghoubi, H. (2008). *The Impact of Gender on the Request Style in Persian*. Master Thesis, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. [In Persian].

